

رویکرد صفویان نسبت به هنر در دوره شاه طهماسب صفوی

افتخار قاسم زاده^۱

ذاکر حاتم پور^۲

چکیده

هنرمندان، از قدیم از جانب شاهان مورد حمایت قرار می‌گرفتند، به طوری که امروزه بسیاری از ارزشمندترین آثار هنری باقی‌مانده در ایران آن‌هایی هستند که از طرف حکومت‌ها حمایت شده‌اند. یکی از پررونق‌ترین دوره‌های هنری ایران اسلامی، دوره صفویه است. قرن دهم و یازدهم هجری را دوران شکوفایی هنر اسلامی در ایران دانسته‌اند. دوره صفویان به خصوص دوره شاه اسماعیل، شاه طهماسب و شاه عباس کبیر، با رشد و گسترش انواع هنرها و پدید آمدن بزرگ‌ترین شاهکارهای هنری مقارن بوده است. در این دوره با حمایت شاهان صفوی، هنرهای پارچه بافی، نقاشی، فلزکاری، سفال‌سازی و معماری به حد‌اعلای توسعه و تکامل رسید.

این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی رویکرد صفویان به هنر در دوره شاه طهماسب پرداخته که با طولانی‌ترین پادشاهی دوره صفوی (با حکومتی ۵۴ ساله ۹۳۰_ ۹۸۴ ه.ق) باعث به وجود آمدن شاهکارهای هنری متعددی شده است. **کلید واژه‌ها:** شاه طهماسب، هنر اسلامی، صفویان، حمایت از هنر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی - دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

eftekhargasemzadeh@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ی تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی - دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

مقدمه

شاهان صفوی از حامیان خوب هنر و هنرمندان بودند. از جمله این شاهان می‌توان به، شاه طهماسب اشاره کرد که به خاطر ذوق هنری که داشت، علاقه مند و دوستدار شدید هنر و هنرمندان بود (غفاری‌فرد، ۱۳۸۱: ۳۴۴). دوره سلطنت او را از علاقه به هنر و حمایت از هنرمندان می‌توان به سه بخش متمایز تقسیم کرد. دوره اول از ۱۵۲۵ تا ۱۵۴۵ م. است. در این دوره شاه به هنر و هنرمندان عشق می‌ورزید و دربار او بهشت هنرمندان و هنر دوستان بود. دوره دوم تقریباً از ۱۵۴۵ تا ۱۵۷۴ م. است. در این دوره، انقلابی در شاه طهماسب پدید آمد و به زهد و تزهّد روی آورد که بی‌میلی او را به هنر و لذت‌های دنیوی موجب شد. دوره سوم از ۱۵۷۴ م. تا پایان عمر اوست که به دلیل بهبودی از بیماری دوباره انسانی معمولی و علاقه مند به هنر شد (نک: ملول، بی‌تا).

شاه طهماسب در دو سالگی به همراه امیرخان موصول که «قیمی حساس به شعر و دوستدار هنر» بود (کئورکیان و سیکر، ۱۳۷۷: ۳۹) در ربیع الاول ۹۲۲ ه. برای آموزش ادبیات و هنر به هرات فرستاده شد. این آموزش‌ها لازم بود تا بعد از جانشینی طهماسب به جای پدر، توان اداره کتابخانه سلطنتی را داشته باشد. شاه طهماسب در ۹۳۰ ه. در یازده سالگی جانشین پدر شد و تقریباً نیم قرن بر ایران سلطنت کرد. هرات که در دوران سلطان حسین بایقرا «مرکز نوعی رنسانس بود» (آریان، ۱۳۸۲: ۲۸) محلی مناسب برای تجمع اندیشمندان و هنرمندان به شمار می‌آید. «از حیث آبادانی و جلال ظاهری نیز شهری مهم و کم‌نظیر به شمار می‌آمده است، عمارت و باغ‌های باشکوه داشته با میدان‌ها و بازارهای با رونق» (همان: ۲۷). رشد و نمو طهماسب در این محیط فرهنگی و هنری، سواد بصری او را شکل بخشید و به نوعی پختگی و پرورش فکری رساند. بنابراین سال‌های حضور طهماسب در هرات تاثیر بسزایی در پرورش ذوق هنری او داشت و بی‌دلیل نیست که امروزه از او به عنوان یکی از بزرگترین پادشاهان حامی هنر و هنرمندان نام برده شده، می‌شود (عارف‌پور، ۱۳۹۱: ۹۳).

شاه طهماسب که خود هنرمند برجسته‌ای بود در دوران حکومت خود، هنرمندان را مورد تشویق قرار داد و دربار صفوی را کانون هنرمندان چیره‌دستی کرده بود که آثار هنری متعددی از آنان امروزه در دست هست (پارسادوست، ۱۳۹۱: ۸۶۲). حکومت پنجاه و چهار ساله شاه اهمیت ویژه‌ای نه فقط برای درک سیاست، بلکه برای درک توسعه هنرها در قرن دهم هجری در ایران دارد. اگرچه سلطنت طولانی و شخصیت نامتعالی شاه طهماسب تأثیری حیاتی بر تاریخ هنر ایران قبل از سال ۹۵۷ ق. داشت، اما حمایت او از هنر، نیمه دوم قرن دهم هجری را به طور غیرمستقیم، و بیشتر با عدم حضورش، تحت تأثیر قرار داد. حمایت شدید شاه از هنر به همراه با استعدادترین نقاشان،

خطاطان، صحافان و مذهببان باعث ایجاد اکثر نسخ خطی زیبای آن قرن شده بود (ولش، ۱۳۸۵: ۲۴).

ما در این پژوهش قصد بر آن داریم، با استفاده از منابع کتابخانه ای و به روش توصیفی - تحلیلی به سوالات زیر پاسخ بدهیم:

۱- آیا شاه طهماسب به مقوله هنر توجه کرده است؟

۲- چرا شاه طهماسب به مقوله هنر توجه کرده است؟

۳- چگونه شاه طهماسب به مقوله هنر توجه کرده است؟

(مکانیزم ها، روش ها، نوع هنر مورد توجه)

۴- آثار هنری خلق شده در نتیجه توجه به هنر توسط شاه طهماسب چیست؟

این تحقیق بر این فرضیه استوار است که شاه طهماسب صفوی به خاطر شور و دل بستگی که به هنر داشته، علاقه مند و دوستدار هنر و به مقام هنرمند ارج و اهمیت می داده است و آن ها را مورد حمایت خود قرار می دهد که با رشد و گسترش انواع هنرها و پدید آمدن بزرگ ترین شاهکارهای هنری در زمینه های مختلفی مقارن بوده است. که از جمله آن ها می توان به هنرهای پارچه بافی، نقاشی، خوشنویسی، فلزکاری، سفال سازی و معماری اشاره کرد که به حد اعلای توسعه و تکامل رسید.

نقاشی و خوشنویسی

نقاشی یکی از قدیمی ترین و مهم ترین سنت های فرهنگ ایرانی و نیز یکی از انواع هنرهای ایرانی در جهان کنونی است که بیشتر مورد ستایش و حمایت شاهان واقع شده است (ولش: ۱۹). شاه طهماسب نیز به عنوان یکی از شاهان صفوی در آغاز جوانی به نقاشی و خوشنویسی علاقه وافر داشت. حسن روملو در این رابطه نوشته است که او «در اوایل شباب به خط نوشتن و نقاشی میل تمام داشت» (روملو، ۱۹۳۱: ۴۸۸؛ پارسادوست: ۸۶۰). قاضی احمد قمی درباره نقاشی او چنین بیان می کند: «به مشق نسخ تعلیق و مشق تصویر و رغبت تمام داشتند و اوقات با برکات صرف آن می فرمودند و استاد بی بدل گشتند و در طراحی و چهره گشایی بر تمامی نقاشان فایق آمدند و «در این فن استاد روزگار و مهندس معجز آثار بودند» (احمد قمی، ۱۳۸۳: ۱۳۷). او در ادامه می آورد که شاه طهماسب نقاشی های بسیار کشیده و چند نقاشی در ایوان چهل ستون قزوین از کارهای اوست، از جمله می توان به مجلس یوسف و زلیخا و نارنج برای خواتین مصر و زنان زیبا اشاره کرد (همان - جا). اسکندر بیگ به خوشنویسی شاه طهماسب اشاره نمی کند، ولی متذکر می شود که او «نقاش نادره کار و مصور نازک قلم سحرنگار بود... آن حضرت شاگرد استاد سلطان محمد مصور مشهور بود. (او) طراحی و نزاکت قلم را به مرتبه کمال» رسانیده بود (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۵۰، ج ۲: ۱۷۴). اسکندر بیگ در ادامه می نویسد: «آن حضرت با این طبقه الفت تمام داشتند. هرگاه از مشاغل

جهانداری و ترددات مملکت آرای، فراغی حاصل می شد به مشق نقاشی تربیت دماغ می کردند» (همانجا). شاه طهماسب از همان کودکی تحت تعلیم نقاشی و خوشنویسی زیر نظر هنرمندان بزرگ زمان خود قرار گرفت. بسیار به نقاشی و خط نستعلیق علاقه مند بود. بعد از رسیدن به حکومت در سال (۱۵۲۴/۹۳۰م) در دهه اول حکومتش که سران قزلباش حاکمان اصلی حکومت بودند در کنار نقاشان و خطاطان و مانند آن ها جهت خلق آثار هنری، اوقات خود را در کتابخانه شاهی صرف می کرد (عارف پور: ۹۴)، «او در تذهیب سرلوحه- صفحه عنوان نوشته ها- مهارت داشت» (سیوری، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

شاه طهماسب تمام پیشرفت خود را در نقاشی در سال های جوانی انجام داده و در آن ایام نقاشان برجسته زمان خود را مورد حمایت جدی قرار می داده است (پارسادوست: ۸۶۰-۸۶۱). از نقاشان و خوشنویسان نام آور این دوره می توان به بهزاد نقاش، سلطان محمد مصور، مولانا مظفر علی، میرزین العابدین، مولانا سلطانعلی مشهدی، میر علی تبریزی، مولانا محمود اسحاق سیاوشانی، محمد حسین تبریزی، باباشاه اصفهانی، میرصدرالدین محمد، سید احمد مشهدی، قاسم شادیشاه، میرزا احمد، میرزا محمد حسین، عبدلی نیشابوری، شاه محمود زرین قلم، مولانا دوست هراتی، مولانا رستمعلی، منصور حافظ باباخان تربتی و مولانا مالک دیلمی و ... اشاره کرد که در شهرهای مختلف ایران آن زمان به نقاشی و خوشنویسی و آموزش شاگردان مشغول بودند.^۱

دوران سلطنت پنجاه و چهارساله شاه طهماسب که اغلب شاهزادگان مانند وی به نقاشی عشق ورزیده و به یادگیری آن افتخار می کردند و در بسط و گسترش نقاشی سعی فراوان داشتند مانند بهرام میرزا و پسرش ابراهیم میرزا (احمدقمی: ۴۱).

هنر کتاب سازی در دوره شاه طهماسب به اوج کمال رسید و این تا حد زیادی به واسطه آن بود که طهماسب نه تنها یک حامی مشتاق هنر بود بلکه خود نیز اوقات زیادی از جوانی را صرف آموختن نقاشی کرده بود. شاه طهماسب «حامی خوش قریحه و سخت گیری بود که کار هنرمندان را از نزدیک زیر نظر داشت چنانکه گویی کار خود اوست» (سیوری: ۱۲۵). از آثار این دوره می توان به شاهنامه شاه طهماسبی اشاره کرد که حاوی بیش از دویست و پنجاه نقاشی مینیاتور است. این کتاب یک «نگارخانه قابل حمل» است زیرا اکثر نامدارترین هنرمندان دربار آن دوره سهمی در خلق آن داشتند (همانجا). از دیگر فعالیت های این دوره می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. کشیدن صور و نقوش زیبا در حواشی کتاب های خطی؛
۲. هنر قطعی به این عبارت که خطاط هر شعری که می خواست بر روی کاغذ خطاطی می کرد؛

۱. نام کامل خوشنویسان زمان شاه طهماسب را می توانید در کتاب اسکندر بیک منشی، و کتاب یوسف واله اصفهانی، صفحه ۳۱۴ و کتاب بوداق قزوینی صفحه ۲۹۸ مشاهده بفرمایید؛ که ما به ذکر برخی از مشهورترین آن ها اکتفا کردیم.

۳. صنعت عکس که در عهد شاه طهماسب توسط مولانا کپک هروی ابداع شده و به این عبارت بود که نقاش مصور هر تصویری را که می‌خواست از پرند و گل و گیاه و پرندگان بر روی کاغذ به قطع و اندازه حاشیه کتاب طراحی می‌کرد (احمد قمی: ۴۳).

آثار به جا مانده، گواه از مهارت شاه طهماسب در نگارگری و خوشنویسی دارند. از جمله نسخه «گوی و چوگان» عارفی. محفوظ در کتابخانه دولتی سالتیکوف شدترین لنینگراد، که شاه طهماسب خود، آن را در سال ۱۵۲۴/۵۹۳۰م کتابت کرده (م.م. اشرفی، ۱۳۸۴: ۴۵)، و آن را «با شانزده نگاره و تذهیب آذین بست» (آژند، ۱۳۸۹: ۴۸۷). چندین اثر نگارگری تحت عنوان تک نگاره نیز از شاه طهماسب در مرقع برادرش بهرام میرزا که امروزه در موزه توپ قاپوسرای استانبول نگه داری می‌شود، بر جای مانده است. از دیگر فعالیت‌های شاه طهماسب آذین دیوارهای کاخ تازه ساز قزوین می‌باشد. او در سال ۱۵۵۲/۵۹۵۵م پایتخت را از تبریز که در جریان لشکرکشی‌های اول و دوم سلطان سلیمان قانونی به تصرف و اشغال نیروهای عثمانی در آمده بود و محل امنی برای مقرر حکومت به حساب نمی‌آمد، به قزوین انتقال داد. برای آماده سازی کاخ جدید هنرمندان چیره دست را به آنجا فرا خواند و آن‌ها را به آذین بندی دیوارهای کاخ گماشت. خودش نیز همچون سال‌های دهه اول حکومت با هنرمندان همراه شد و چند مجلس در ایوان چهل ستون دارالسلطنه به دست خویش تصویرسازی کرد. «از آن جمله مجلس یوسف و زلیخا و نارنج بری خواتین مصر و زنان زیبا، در آن صفحه این بیت مسطور است:

مصریان سنگ ملامت بر زلیخا می زدند حسن یوسف تیغ گشت و دست ایشان رابرید»
(احمد قمی: ۱۳۸)

رابطه شاه طهماسب با هنرمندان دربار، فراتر از رابطه یک حاکم عادی با نقاشان دربارش بود، او حتی در سال‌های پر آشوب حکومتش در تبریز نیز، دست از حمایت هنرمندان خویش بر نمی‌داشت. برخی از هنرمندان مانند میرک، دوست و همدم صمیمی شاه بودند و برخی دیگر به مناصب بزرگ حکومتی گمارده می‌شدند، مانند میرزا احمد خوشنویس که «بعد از بیماری شاه جنت مکان وزیر شوشتر و خراسان شد» (اسکندر بیک منشی، ج ۲: ۱۲۷).

«بدون هنرشناسی و زیبایی پسندی شاه تهماسب، هنرمندان دربار او هرگز بدانچه اکنون یکی از برجسته‌ترین دوره‌های تاریخ هنر ایران به شمار می‌رود، دست نمی‌یافتند» (کنبی، ۱۳۸۶: ۶۴)، آثار نفیس هنرمندان دربار شاه، منبع الهام مهمی برای سایر هنرمندان و رشته‌های هنری غیر درباری محسوب می‌شد. کتابخانه هنری شاه طهماسب فقط محلی برای تولید نسخه یا برآوردن نیازهای روحی و ذوق هنری او نبودند بلکه «معدن طرح‌های تزئینی برای قالی‌ها و منسوجات و ساختمان‌ها و اشیای فلزی و احتمالاً وسایل چوبی بوده است که با خاتم کاری برای شاه و خانواده اش می‌ساختند» (همان‌جا).

خلاصه بحث

الف) چرایی توجه به نقاشی و خوشنویسی

۱. علاقه شدید به نقاشی و خط نستعلیق داشت و چون خود نیز استعداد ذاتی و ذوق هنری داشت از همان کودکی تحت تعلیم نقاشی و خوش نویسی زیر نظر هنرمندان بزرگ زمان خود چون: بهزاد، خواجه عبدالعزیز اصفهانی و ... قرار گرفتند.
۲. گذراندن اوقات فراغت و معاشرت و هم نشینی با نقاشان و خطاطان.

ب) چگونگی توجه به نقاشی و خوشنویسی

۱. صفویان یک کتابخانه سلطنتی و شاهی در دربار تاسیس کرده بودند که، هنرمندان بزرگ و نامی معاصر خود را از سراسر نقاط سرزمین تحت حاکمیت خود و سایر نقاط با دادن فراخوان عمومی و صلح و انعام و حقوق در یک مکان جمع کرده بودند؛ که زیر نظر شاه صفوی اداره می شد. به این علت شاه اسماعیل، شاه طهماسب را در دو سالگی برای آموزش ادبیات و هنر به هرات فرستاد. این آموزش ها لازم بود تا بعد از جانشینی طهماسب به جای پدر توان اداره کتابخانه سلطنتی را داشته باشد.

از جمله این هنرمندان می توان به: بهزاد نقاش، خواجه عبدالعزیز اصفهانی، آقا میرک، سلطان محمد، استاد محمدی، شاه محمد، میر نقاش، مظفر علی و میر سید علی و ... نام برد.

ج) آثار هنری خلق شده

۱. خمسه طهماسبی، شاهنامه طهماسبی، نقاشی مسجد پادشاهی کیومرث، طراحی نقشه قالی و منسوجات ابریشمی.
۲. چندین اثر نگارگری تحت عنوان تک نگاره از شاه طهماسب که جمعی از درباریان در مرقد برادرش بهرام میرزا جمع شدند؛ در موزه توپ قاپوسرای استانبول نگهداری می شود.
۳. تک نگاره دیگر از شاه طهماسب که تصویر دو دلقک درباری چاق و فربه را به همراه سه نفر درباری و یک نی نواز برای برادرش بهرام میرزا مصور سازی کرده است.
۴. بازی چوگان، مثنوی گوی و چوگان عارفی کار شاه طهماسب در کتابخانه عمومی سن پترزبورگ نگهداری می شود.
۵. تذهیب سر لوحه (صفحه عنوان نوشته ها) توسط شاه طهماسب.
۶. آذین دیوارهای کاخ تازه ساز قزوین و مشارکت شاه در این کار که به همراه هنرمندان چندین مجلس در ایوان چهل ستون دارالسلطنه به دست خویش تصویر سازی کرد. از آن جمله مجلس یوسف و زلیخا و نارنج بری خواتین مصر و زنان زیبا.
۷. نهادینه شدن سنت جدید تصویرسازی به نام « تک نگاره » که از دوران تیموریان پایه گذاری شده بود، یکی از خصوصیات هنری این دوره شد.

نکته: به نظر می‌رسد توجه به واقعیات و زندگی مردم عادی به علاوه توجه به فضا و حرکت، در کنار ترویج مرقع سازی و ظهور حامیان قدرتمند محلی از مهم ترین عوامل ترویج این شیوه هنری می‌باشد.

شیوه جدید تک نگاری و مرقع سازی نقش بسیار مهمی در شناسایی و معرفی هنرمند به مثابه آفریننده اثر در تاریخ هنر ایران به خود اختصاص داده اند. زیرا تا قبل از این هنرمند در گوشه کارگاه یا کتابخانه یک حامی قدرتمند چون شاه، به آفرینش هنری دست می‌زد و حاصل کار او به نام شاه و حکومت قدرتمند او تمام می‌شد. اما مرقعات، هنرمند و هنر او را به میان جامعه و مردم آورده و بدین طریق هویت هنری و مولف اثر را آشکار ساختند.

۸. به وجود آمدن شیوه جدید تجلید کتب که، جلد لاکمی مشهور شد.

۹. گستردگی کارگاه های تولید کتاب تا آن سوی مرزهای صفوی.

ادبیات

از دیگر استعدادهای ذاتی شاه طهماسب شعر و شاعری و سخنوری بود که در این رابطه صادقی بیگ، نقاش، شاعر و وقایع نگار بزرگ دربار در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری، شاه را می‌شناخت و بعدها با آمیزه‌ای از همدردی و احترام غیر جدی درباره او نوشت: «چنان استعداد ذاتی داشت که سخنانش از سر تا پا لطیف و ظریف بود و اگر می‌خواست می‌توانست در تمام عمر به کلام موزون سخن گوید... مرحوم، به علما و صلحا و فضلا خیلی التفات داشت... گرچه همیشه شعر نمی‌گفت، ولی گوهرهایی که گهگاه از دریای طبعش بیرون می‌افتاد، افکار جهانیان را آویزه گوش و گردن می‌گشت. رباعی ذیل از اوست:

یک چند به یاقوت تر آلوده شدیم یک چند پی زمرد سوده شدیم

آلودگی ای بود به هر حال که بود شستیم به آب توبه و آسوده شدیم» (ولش: ۲۴).

شعر در دوران سلطنت شاه طهماسب به راه تازه‌ای کشانده شد. از عواملی که به شعر فارسی لطافت و معنویت می‌بخشد تصوف و اندیشه های عرفانی است. شاه طهماسب و عالمان مذهبی با صوفی گری به مبارزه برخاستند. با مخالفت آنان شعرهای عرفانی که بخش قابل توجهی از ادبیات فارسی را تشکیل می‌داد میدان کمتری برای تجلی خود یافت. با کم رنگ شدن تصوف و عرفان، غزل و قصیده نیز که محتوای مدح شاهان و قدرت مداران و پند و اندرز داشتند، شور و حال گذشته را از دست دادند (پارسادوست: ۸۶۸). اسکندر بیگ تأیید می‌کند شاه طهماسب «راه گذرانیدن قطعه و قصیده» به شاعران نمی‌داد (ج ۲: ۱۷۸). شاه طهماسب شاعران، به خصوص مدیحه سرایان، را از دربار طرد می‌کرد و زهدپیشگی و پرهیزگاری را پیشه خود قرار داده بود. برای نمونه محتشم کاشانی شاعر زمان شاه طهماسب قصیده‌ای با مطلع زیر در مدح وی سرود:

ز آهم بر عذرا نازک زلفش چنان لرزد که عکس سنبل اندر آب از باد وزان لرزد

شاه طهماسب مدح از خود را تأیید نکرد و از محتشم خواست که به منقبت امامان شیعه بپردازد (پارسادوست: ۸۷۰). محتشم نیز از مدح پادشاهان ایران به مدح پیامبر و ائمه اطهار روی آورد. دوازده بند معروف در مرثیه واقعه کربلا را ساخت و شاعر مذهبی گردید. از این رو پادشاه گرفت و با این کار نظر مساعد شاه طهماسب را حفظ کرد و حمایت مالی وی را از سبک جدید شعر صفوی، به دست آورد (ولش: ۲۶).

از عوامل توجه شاه طهماسب به شعر و شاعری، معاشرت و مصاحبت با ادیبان و شاعران مهم روزگار خود می‌باشد. به طوری که اسکندر بیک منشی با اشاره به همنشینی شاه با طایفه شاعران، می‌نویسد: « اوایل حال حضرت خاقانی جنت مکانی توجه تمام به حال این طایفه بود چند گاه میرزا شرف جهان و مولانا حیرتی از هم صحبتان بزم اقدس و معاشران مجلس مقدس بودند.» (اسکندربیک منشی: ۱۷۸).

خلاصه بحث:

الف) چرایی توجه به ادبیات

۱. استعداد ذاتی شاه طهماسب در شعر و شاعری و سخنوری.
۲. معاشرت و مصاحبت با ادیبان و شاعران مهم روزگار خود.

ب) چگونگی توجه به ادبیات

۱. دادن صله و انعام به شاعران.
۲. تشکیل مجلس شعر و شاعری در دربار و فراخوان شاعران از سراسر نقاط تحت حاکمیت خود و سایر نقاط.

ج) آثار هنری خلق شده

۱. پیدایش مفهوم جدید ستایش و منقبت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع).
- نکته: شاه طهماسب بر خلاف شاهان پیشین و حتی پدرش شاه اسماعیل که مروج اصلی دین شیعه در ایران بود، به خصوص در اواخر عمر، اجازه نداد شاعران، زبان به مدح او و خاندانش بکشایند.
۲. هفت بند معروف حسن کاشانی در ارتباط با عاشورا.
۳. شاعرانی چون اهلی شیرازی (متوفی ۹۴۲ ق) و لسانی شیرازی (متوفی ۹۴۰ ق) قصایدی در منقبت اهل بیت سرودند.
۴. رباعیات چندی از شاه طهماسب و آثار هنری خلق شده دست کار وی که در موزه های مختلف جهان از جمله کتابخانه عمومی سن پترزبورگ، موزه توپقاپی سرای استانبول، کتابخانه دولتی سالتیکوف شدرین لنینگراد، موزه ویکتوریا و آلبرت، موزه پلدی میلان و نگهداری می شود.

معماری

در زمینه معماری، شاه طهماسب هر آنچه در حافظه بصری اش از شیوه معماری و نقش و نگار کاخ ها و بناهای ساخته شده در شهر هرات توسط سلطان حسین بایقرا و وزیر هنر دوستش امیرعلی شیرنوبی نقش بسته بود، برای ساخت و توسعه بناها و کاخ های حکومتش در ایران بهره برد. (کنبی: ۴۴). هم چنین با حضور در تبریز در سال ۱۵۲۲/۹۲۸م با شیوه معماری ترکمانان و کاخ ها و بناهای باقی مانده از آن دوران آشنایی پیدا کرد. توجه به این شیوه های معماری، پیشینه ذهنی او را برای حمایت از ساخت بناهای جدید فراهم آورد.

با توجه به این که شاه اسماعیل پایه گذار مذهب فکری شیعه در ایران و فرزندش شاه طهماسب تحکیم کننده مبانی مذهب جدید در دوران حکومتش بود، با انجام اقداماتی در جهت ترویج مذهب شیعه، به مرمت و بازسازی مقبره ائمه اطهار و ساخت و توسعه مساجد برای برگزاری آیین ها و مراسم و نیز رشد و گسترش مدارس دینی در سراسر ایران همت گمارد. وی «توجه ویژه ای به تعمیر و تزیین بارگاه امام رضا (ع) کرد و مقدار شصت و سه من طلا به جهت گنبد و هفده من طلا جهت میل گنبد صرف نمود» (آژند، ۱۳۸۵: ۴۰ و ۳۹).

شاه طهماسب در سال های ۱۵۳۶/۹۴۳م و ۱۵۴۲-۴۳/۹۴۹م زیارتگاه بزرگ قزلباشان؛ مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی را به طور قابل توجهی گسترش داد، برای این کار او خانه ها و زمین هایی در شمال شرقی بقعه خرید و محوطه را صاف کرد و ساختمان بزرگ هشت گوش جنت سرا و ضمایم باغش را ساخت (کنبی: ۴۶). تعداد زیادی مسجد از جمله مساجد جامع اصفهان، کرمان، شیراز و برخی بقاع متبرکه در این دوره مرمت و بازسازی شدند.

شاه طهماسب برای دسترسی آسان مردم به اماکن متبرکه به آبادسازی جاده ها و ایجاد کاروانسراهای بسیاری در طول مسیر اقدام نمود. از جمله می توان «کاروانسراهای راه زیارتی خراسان را که از کرمانشاه شروع و به مشهد ختم می شده است نام برد. در این مسیر کاروانسراهای سیاحتی و زیارتی از یک طرف به زیارتگاه اماکن مقدسه نجف و کربلا و از طرف دیگر به زیارت امام هشتم شیعیان در مشهد مشرف می شدند.» (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۶۸). در این سال ها رشد چشمگیر مدارس، برای ترویج و توسعه علوم و مبانی دین در میان توده مردم و تربیت علما و فضایی شیعه و هم چنین رشد نهادها و تشکیلات دستگاه مذهبی نیز قابل توجه است. به گونه ای که «حتی در برخی از روستاهای بزرگ نیز مجالس درس و بحث به طور منظم برگزار می شد و برخی از همین طلاب بعد از طی مدارج لازم به رتبه های بالا دست می یافتند» (همان، ۱۴۱).

به غیر از بناهای معماری که در جهت گسترش و ترویج مذهب شیعه ساخته شده اند، معماری کاخ ها نیز قابل ذکر است. شاه طهماسب که در طول زمامداری خود در تبریز از کاخی که پدرش در آنجا ساکن بود استفاده و آن را مرمت و بازسازی می کرد، بعد از انتقال پایتخت به قزوین در سال

۱۵۴۹/۵۹۵۵م شروع به ساختن کاخ ها و بناهای جدید در این شهر نمود. در اصفهان نیز بنای اولیه عالی قاپو را به صورت کوشکی سه طبقه بنیان نهاد که در سال های بعد توسط شاه عباس تکمیل شد.

خلاصه بحث:

الف) چرایی توجه به معماری

۱. هر شاهی پس از رسیدن به حکومت به ساخت و توسعه بناها و کاخ های حکومتش می پردازد و از این رو به معماری توجه ویژه ای دارند. در زمینه معماری، شاه طهماسب هر آنچه در حافظه بصری اش از شیوه معماری و نقش و نگار کاخ ها بناهای ساخته شده در هرات توسط سلطان حسین بایقرا و وزیر هنر دوستش امیر علی شیروانی نقش بسته بود. پس بنابراین معاشرت و هم نشینی با هنرمندان و وزیران هنر دوست دربارش یکی از دلایل توجه به معماری است.
۲. پیشینه ذهنی داشتن با معماری با حضور در تبریز در سال ۹۲۸ / ۵ ۱۵۲۲ م که با شیوه معماری معماری ترکمانان و کاخ ها و بناهای باقی مانده از آن دوران آشنایی پیدا کرده بود.

ب) چگونگی توجه به معماری

با حمایت کردن از معماران از طریق پرداخت بودجه مالی مورد نیاز برای ساخت و ساز بناها و کاخ ها و مدارس و بازارها و مقابر و معابر و

ج) آثار هنری خلق شده

۱. مرمت و بازسازی مقبره ائمه اطهار (ع) و ساخت و توسعه مساجد برای برگزاری آیین ها و مراسم و نیز رشد و گسترش مدارس دینی در سراسر ایران.
- نکته:** علت این اقدامات به خاطر این که شاه اسماعیل پایه گذار مذهب فکری شیعه در ایران و فرزندش شاه طهماسب تحکیم کننده میانی مذهب جدید در دوران حکومتش بود، با انجام اقداماتی در جهت ترویج مذهب شیعه همت گمارد.
۱. تعمیر و تزئین بارگاه امام رضا (ع).
۲. گسترش دادن زیارتگاه بزرگ قزلباشان، مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی.
۳. مرمت و بازسازی تعداد زیادی مسجد از جمله مساجد جامع اصفهان، کرمان، شیراز و برخی بقاع متبرکه در این دوره.
۴. آباد سازی جاده ها و ایجاد کاروانسراهای بسیاری در طول مسیر برای دسترسی آسان مردم به اماکن متبرکه.
۵. ساخت و ساز و رشد چشمگیر مدارس، برای ترویج و توسعه علوم و مبانی دین در میان توده مردم و تربیت علما و فضلالی شیعه و هم چنین رشد نهادها و تشکیلات دستگاه مذهبی در این دوره.

۶. معماری و مرمت و بازسازی کاخ‌ها در تبریز و ساخت کاخ جدید در قزوین و ساخت بنای اولیه عالی قاپو در اصفهان که بعدها توسط شاه عباس تکمیل گردید.

قالی بافی

علاقه شاه طهماسب به قالی به اندازه ای بود که آن را به مقام یک هنر ارتقا داد، (سیوری: ۱۳۳). در این زمان «قالی ایران در زیبایی نقش و ظرافت بافت به حد کمال رسید و از همان هنگام به عنوان تحفه ای بسیار نفیس سهمی در روابط ایران با کشورهای همسایه بر عهده گرفت.» (حشمتی رضوی، ۱۳۸۷: ۱۸۲). سلطنت طولانی مدت شاه طهماسب و علاقه همیشگی او به این هنر سبب شد که امروزه بهترین قالی‌ها از لحاظ شیوه و ظرافت بافت، طراحی، ترکیب بندی، رنگ آمیزی و آمیختگی با هنر کتاب آرایی، قالی‌های بافته شده در این دوره باشند. همچون نگارگری، نوشتن نام مؤلف بر روی قالی‌ها نیز در این سال‌ها رواج یافت. مانند قالی معروف اردبیل و فرش چلسی که نام بافنده ی آنها در درون متن به صورت گره بافت آمده است.

رابطه مستقیم و تنگاتنگی در این دوره میان نقاشان بزرگ کتابخانه شاهی همچون بهزاد، سلطان محمد و میر سید علی با بافندگان به وجود آمد و سبب غنای طرح‌های قالی شد. به گونه ای که هر وجهی از وجوه این قالی‌ها خود شاهکاری ویژه به شمار می‌آید. در این میان شخص اول حکومت یعنی شاه طهماسب با آموزش‌های طراحی و نقاشی در نزد استادان بزرگ، نقشه قالی نیز کشیده است. به نظر می‌رسد وی کاملاً به شکوه قالی‌های بافته شده در مقرر حکومت خود تبریز و «سایر مراکز مهم قالی بافی چون کاشان، همدان، شوشتر و هرات» (ژوله، ۱۳۸۱: ۱۷) اشراف داشته است. زیرا بعد از صلح آماسیه و پایان جنگ و دشمنی با عثمانی‌ها در طی نامه ای در سال ۹۶۳ هجری از سلطان سلیمان عثمانی، درخواست می‌کند تا اندازه‌های ایوان مسجد «صنعان» که امروزه به نام مسجد «جامع سلیمانیه» مشهور است را با ذکر رنگ متن و حاشیه هر یک برای وی بفرستد. بعد از دریافت پاسخ از سوی پادشاه عثمانی، شاه طهماسب دستور بافت قالی‌ها را صادر کرد (همان، ۱۸۳).

انجام این سفارش بیش از ده سال به طول انجامید. «این قالی‌ها در سال ۹۷۵ هجری همراه سفیری به دربار سلطان فرستاده شد و به قراری که سفیر مجارستان در استانبول گزارش می‌دهد قالی‌ها و قالیچه‌های ابریشمین و زربفت این هدیه را که برخی از آن‌ها کار همدان و درگزین بود چهل و چهار شتر حمل می‌کرد» (همان‌جا).

حضور همایون پادشاه هند که در سال ۹۵۱ هجری به دربار شاه طهماسب پناه آورده بود و در این مدت آزادانه به کارگاه‌های قالی بافی سر می‌زد علاقه و شوق او را به این هنر در پی داشت و بدین ترتیب هنگام مراجعت از ایران «تعدادی از بافندگان قالی را با خود به هندوستان برد که بخشی از

نتیجه کار این افراد در هندوستان به صورت یازده تخته فرش در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می شود» (همان جا).

چرایی توجه به قالی

علاقه شدید و ذوق هنری شاه طهماسب به قالی.

چگونگی توجه به قالی

حمایت مالی و ترویج و گسترش این هنر و تاسیس کارگاه های تولید قالی بافی و اجازه حضور قالی بافان در کتابخانه سلطنتی یا شاهی.

ج آثار هنری خلق شده

۱. قالی را به مقام هنر ارتقا داد و قالی ایران در زیبایی نقش و ظرافت بافت به حد کمال رساند و از همان هنگام به عنوان تحفه بسیار نفیس سهمی در روابط ایران با کشورهای همسایه بر عهده گرفت.
۲. قالی معروف اردبیل مشهور به شیخ صفی ۹۴۹ ق. در اندازه ۱۱۵۲ در ۵۳۴ سانتی متر در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می شود.
۳. قالی شکارگاه در موزه پلیدی میلان.
۴. فرش چلسی.

۵. رابطه مستقیم و تنگاتنگی در این دوره میان نقاشان بزرگ کتابخانه شاهی همچون بهزاد، سلطان محمد و میر سید علی با بافندگان به وجود آمد و سبب غنای طرح های قالی شد.
۶. تاسیس مراکز مهم قالی در کاشان، هرات، همدان و شوشتر.
۷. یازده تخته فرش که در هندوستان در هنگام حضور شاه طهماسب در مراکز قالی بافی در هندوستان بافته شده بود در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.

نتیجه

در مجموع باید گفت که شاهان صفوی از حامیان هنر و هنرمندان بودند. از جمله این شاهان، شاه طهماسب صفوی بود که به خاطر شور و ذوقی که به هنر داشت، علاقه مند و دوستدار هنر و هنرمند بود. وی هنرمندان را مورد تشویق قرار می داد و دربار خود را کانون هنرمندان کرده بود و با شیوه های مختلف آن ها را مورد حمایت خود قرار می داد من جمله کمک مالی، ایجاد کتابخانه سلطنتی، ایجاد کارگاه ها و ... در نتیجه حمایت های وی انواع هنرها بسط و گسترش یافت که باعث پدید آمدن بزرگ ترین شاهکارهای هنری در زمینه های مختلفی شد؛ که از جمله آن ها می توان به هنرهای پارچه بافی، نقاشی، خوشنویسی، فلزکاری، سفال سازی و معماری اشاره کرد که به حد اعلائی توسعه و تکامل رسید.

در نهایت باید گفت که دو جنبه برای هنر وجود دارد. یکی این که شاه با حمایت از هنر باعث ترویج و گسترش آن در میان مردم و جامعه می شود و جنبه دیگر آن در مقابل این حمایت شاهان قرار

دارد که هنرمندان قدر این حمایت را دانسته و شکوه و عظمت دربار را به خارج از مرز و بوم کشور رسانده و وسیله تبلیغی برای حامیان خود می‌باشند.



منابع

کتب:

- آریان، قمر (۱۳۸۲)، کمال الدین بهزاد، تهران: هیرمند.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۵)، نمایش در دوره صفوی، تهران: فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۹)، نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران)، ج ۲، تهران: یساولی.
- احمد قمی، قاضی، (۱۳۸۳)، گلستان هنر، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران: منوچهری.
- اسکندر بیک منشی، (۱۳۵۰)، تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۱ و ۲، تهران: امیر کبیر.
- اشرفی، م.م. (۱۳۸۴)، سیر تحول نقاشی ایرانی سده ۱۶ میلادی، ترجمه زهره فیضی، تهران: فرهنگستان هنر.
- بوداق منشی قزوینی (بی تا)، جواهرالخبار، عکسبرداری شده از نسخه خطی وقفی شاه عباس اول به خانقاه اردبیل، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۳۵۱۷.
- پارسادوست، منوچهر، (۱۳۹۱)، شاه طهماسب اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- حشمتی رضوی، فضل الله (۱۳۸۷)، سیر تحول و تطور فرش بافی ایران، تهران: سمت.
- روملو، حسن، (۱۹۳۱)، احسن التواریخ، به سعی و تصحیح چارلس نارمن سیدن، کلکته: مطبعه بپتست مشن پریس.
- ژوله، تورج (۱۳۸۱)، پژوهشی در فرش ایران، تهران: یساولی.
- سیوری، راجر (۱۳۸۵)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- غفاری فرد، عباسقلی، (۱۳۸۱)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران، سازمان سمت.
- کنبی، شیلا (۱۳۸۶)، عصر طلایی ایران، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۹)، معماری ایران (دوره اسلامی)، تهران: سمت.
- کئورکیان، ا.م. سیکر، ژ.پ. (۱۳۷۷)، باغ های خیال، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فروزان.
- واله اصفهانی، محمدیوسف، (۱۳۷۲)، خلدبرین، ایران در روزگار صفویان، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی.
- ولش، آنتونی (۱۳۸۵)، نگارگری و حامیان صفوی، ترجمه روح الله رجبی، تهران: فرهنگستان هنر.

مقالات

- عارف پور، فاطمه، (۱۳۹۱)، شاه تهماسب صفوی و حمایت از هنرها، کتاب ماه هنر، شماره ۱۶۸، صص ۹۲-۹۷.

منابع الکترونیکی

- ملول، غلامعلی، (بی تا)، قالی بافی و کتاب سازی در زمان شاه تهماسب - قسمت اول، سایت غلامعلی ملول، www.malool.com.

